

بررسی فقهی لزوم رعایت تجوید در نماز

سید مهدی نریمانی زمان آبادی *

طیبه شمس **

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۳ - تاریخ تأیید: ۹۷/۰۷/۲۵

چکیده

یکی از مباحث مهم نزد مسلمانان از جمله شیعیان، اقامه نماز است و در اقامه نماز، مهمترین مساله ای که نمازگزار باید رعایت نماید تلفظ صحیح قواعد تجویدی قرائت و اذکار نماز (عربی صحیح) است به طوری که حرفی به حرف دیگر تبدیل نشود.

هر مکلفی، در حوزه قرائت و اذکار نماز با دو مقوله و عمل مواجه است: یکی صحت قرائت در آن دو که رعایت آن طبق نظر همه فقهای عظام واجب، و عدم مراعات آن در نماز موجب ابطال نماز می‌گردد؛ و دیگری محسنات تجویدی قرائت و اذکار است که در نظر فقها گرچه اختلافی است، لکن حائز اهمیت است و رعایت آن در نماز شایسته و احسن و جزء مستحبات به شمار می‌رود.

در این نوشتار تلاش شده است ضمن تقسیم مباحث تجویدی، تعیین گردد در قرائت نماز، چه آموزه‌های تجویدی واجب و چه آموزه‌هایی از تجوید، مستحب است.

این مقاله به بررسی تجوید در نماز از دیدگاه فقهای امامیه پرداخته است و روش بکار گرفته شده در این نوشتار، اسنادی و کتابخانه ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: تجوید در نماز؛ صحت قرائت؛ محسنات تجویدی؛ مخارج حروف؛ صفات حروف.

Email: narimani@mofidu.ac.ir

Email: tshams663@gmail.com

* استادیار دپارتمان الاهیات دانشگاه مفید، قم، ایران. «نویسنده مسئول»

** کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.



مقدمه

علم تجوید از دانش‌هایی است که از دیرباز مورد توجه دانشمندان اسلامی بوده است و در میان مسلمانان از ارزش والایی برخوردار است. این علم در تلاوت قرآن کریم و از آن مهم تر در صحت قرائت نماز اهمیت ویژه ای دارد.

از آنجا که نماز در دین مبین اسلام، ستون دین محسوب می‌شود^۱ و مبتلابه لاینفک در اعمال شبانه‌روزی هر مسلمان مکلف است و از آنجا که یکی از واجبات نماز و شرایط قبولی آن، بیان آوایی صحیح «اذکار» و «قرائت» توسط نمازگزار است لذا به جهت اهمیت موضوع، بررسی علم تجوید از حیث تلفظ صحیح حروف از مخارج دستگاه تکلم (مخارج حروف) و صفات حروف، ضروری است.

درباره تاریخچه علم تجوید، آنچه مسلم است این است که تاریخچه علم تجوید به زمان رسول اکرم (ص) پیوند خورده است. در آن زمان پیامبر (ص) بر لحن قرائت مردم تأکید داشته و می‌فرمودند: «قرآن را به الحان عرب بخوانید.» (نجفی، ۲۲/۱۴۰۴: ۴۷) با توجه به فرمایش پیامبر (ص) می‌توان به این مطلب پی برد که از ابتدا خود ایشان به این مطلب اهتمام داشته اند که فرمودند قرآن را به الحان عرب بخوانید. همچنین در مورد شیوه قرائت مردم پیامبر اکرم (ص) می‌فرمودند: «هرکس مایل است قرآن را آن گونه که نازل شده است، شیوا بخواند به قرائت امّ عبد (ابن مسعود) اقتدا کند.» (مجلسی، ۳۱/۱۴۰۳: ۲۱۳) قرآن نیز براین امر تأکید داشته و می‌فرماید: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» (مَزْمَل، ۴)؛ یعنی قرآن را با صوتی زیبا (ترتیل) تلاوت کنید. حضرت علی (ع) در تفسیر آیه فوق فرموده اند:

«ترتیل عبارت است از اداء صحیح و زیبای حروف و شناخت مواضع وقف.» (میبدی، ۱۰/۱۳۷۱: ۲۶۶) بدیهی است عدم تلفظ صحیح حروف باعث مخدوش و نادرست شدن معنای کلمه خواهد شد و یا عدم رعایت وقف‌ها باعث به هم ریختن ترکیب جمله‌ها از حیث نحوی، بلاغی و تفسیری می‌شود.

در حوزه تجوید قرآن، آثار زیادی تدوین شده، لکن در حوزه «تجوید نماز» از دیدگاه فقهی آثار چندانی وجود ندارد و از این بُعد کمتر مورد بررسی قرار گرفته است، لذا این نوشتار، در صدد «بررسی لزوم رعایت تجوید در نماز» می‌باشد.

۱. نک: حرعاملی، ۴/۱۴۰۹: ۲۷.

کلیات

تبیین مفاهیم کلیدی

برای درک مسائل و موضوعات مختلف ابتدا لازم است مفاهیم آنها تعریف شوند تا منظور نویسنده از آن روشن شود.

تجوید

واژه «تجوید» که از ماده «ج.و.د/جود» گرفته شده است، در برخی لغت نامه‌های کهن به آن پرداخته شده است. در کتاب «العین» منسوب به خلیل بن احمد فراهیدی (ت ۱۷۵ ق) در اشاره به واژه مورد بحث چنین بیان داشته است: «جود فی عدوه تجویدا»، (فراهیدی، ۱۴۱۰/۶: ۱۶۹) به مفهوم «زیبا و نیکی کردن در حد اعلی» و راغب اصفهانی (ت ۵۰۲ ق) بدون اشاره به واژه «جود/تجوید» تنها اصل این کلمه را در قالب‌های «جواد، جود، جوده، جود، جاد» آورده و جمله «جاد الشیء جوده فهو جید» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۱) «یعنی آن چیز متعالی و نیکو شد» را ارائه داده است.

ابن جزری (ت ۸۳۳ق) می‌گوید: «تجوید زیور تلاوت، زینت قرائت و اعطای حقوق حروف و حفظ ترتیب و مراتب آنها، و بازگرداندن حرف به مخرج و اصل آن و پیوند دادن آن به همانندش و درست ادا کردن لفظ و با لطافت و زیبا به زبان آوردن آن با توجه به صورت (شکل) و هیئت کاملش بدون دشواری و زیاده روی و آشفتگی» است.^۱

آنچه از منابع لغوی، قرائی و تجویدی مذکور بدست می‌آید این است که می‌توان گفت تجوید در لغت عبارتند از: «نیکویی، تحسین، اتقان و کمال بخشی در حد اعلی به چیزی است،» (ابوعمر و الدانی، ۱۴۲۱/۶۸: ابن جزری، بی تا/۱: ۲۱۰)

واجبات رکنی و غیر رکنی نماز

در لغت ارکان جمع رکن است^۲ و اهل لغت تعابیر مختلفی برای تبیین مفهوم آن بیان نموده‌اند. شماری آن را به «بخش اساسی هر چیزی» تفسیر کرده‌اند و عده‌ای از آن با عنوان «تکیه گاه» یاد نموده‌اند. ابن اثیر در کتاب لغت خود، هر دو معنا را بیان می‌کند و می‌گوید: «ارکان هر چیز پایه

۱. نک: ابن جزری، بی تا/۱: ۲۱۲.

۲. نک: فراهیدی، ۱۴۱۰/۵: ۳۵۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴/۱۳: ۱۸۵.

و مبنای مسائل پیرامونی خود می‌باشد.» (ابن اثیر جزری، بی تا/۲: ۲۶۰) برخی از کتاب‌های لغت در صدد تبیین ارکان عبادات، آن را این گونه تفسیر نموده‌اند: «ارکان عبادات پایه و مبنای عبادت به شمار می‌رود و ترک آنها موجب ابطال عبادت می‌گردد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۵)

بنابر نظر گروهی از فقها ارکان در نماز عبارتند از «اموری که ترک آن چه عمدی و چه سهوی موجب باطل شدن نماز می‌شود». ارکان پنجگانه نماز عبارتند از: قیام در صورت توانایی، نیت، تکبیره الاحرام، رکوع، سجده^۱ و بنابر نظر برخی دیگر ارکان در نماز عبارتند از «چیزهایی که ترک کردن یا زیاد کردن آن، چه بصورت عمدی و چه بصورت سهوی موجب باطل شدن نماز می‌شود.» (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۰۲/۲: ۶۶۵)

برخی از واجبات رکن نماز نیستند، یعنی به گونه‌ای هستند که «اخلال آن سهواً موجب باطل شدن نماز نمی‌شود، بلکه فقط اگر عمداً اخلال صورت گیرد موجب باطل شدن می‌شود.» (شیخ طوسی، ۱/۱۳۸۷: ۱۰۰)، که عبارتند از: قرائت، ذکر، تشهد، سلام، ترتیب، موالات.

صحت قرائت

صحت قرائت در نماز به معنای «تلفظ/ اداء» صحیح حروف و کلمات (عربی صحیح) توسط نمازگزار است به طوری که حرفی به حرف دیگر تبدیل نشود.

در منابع فقهی و رساله‌های عملیه و استفتاءات مراجع عظام تقلید تعابیری چون «قرائت صحیح» (نجفی، ۱۳/۱۴۰۴: ۳۳۳؛ علامه حلی، ۲/۱۴۱۹: ۱۴۶-۱۴۸)، «محافظت بر عربیت صحیح» (سید یزدی، ۱/۱۴۰۹: ۶۹۰)، «عدم تبدیل حرفی به حرف دیگر» (سید یزدی، ۱/۱۴۰۹: ۶۵۳ م ۳۷؛ خمینی، بی تا/ ۱: ۱۶۷ م ۱۲)، «تصدیق عرف عرب» (نجفی، ۹/۱۴۰۴: ۲۸۷؛ سید یزدی، ۱/۱۴۰۹: ۶۵۳-۶۵۵؛ خمینی، ۱/۱۴۲۴: ۶۰۸-۶۰۹ س ۴۶۵)، «رعایت تشدید» (نجفی، ۹/۱۴۰۴: ۲۸۷ و ۱۳/۱۴۰۴: ۳۳۳) همگی ناظر به رعایت صحت قرائت و صفات اصلی حروف می‌باشند.

محسنات تجویدی

محسنات تجویدی در نماز به معنای تلفظ قواعد تجویدی (کلمات عربی) است که تنها از مقوله زیبایی بخشیدن به قرائت و اذکار نماز صورت می‌گیرد.

۱. نک: شیخ طوسی، ۱/۱۳۸۷: ۱۰۰؛ علامه حلی، ۲/۱۴۱۳: ۱۳۹.

مخارج حروف

مخرج در لغت یعنی «محل خروج» (ابن منظور، ۲/۱۴۱۴: ۲۴۹) اسم مکان است که جمع آن مخارج است. در اصطلاح تجوید واژه «مخرج» در کتاب العین منسوب به خلیل بن احمد (ت ۱۷۵ ق) برای جایگاه حروف، اولین بار بکار رفته است. به عنوان نمونه می‌گوید: «... سه حرف شفوی عبارتند از: ف ب م، که محل ادای آنها بین دو لب می‌باشد» و یا می‌گوید: «مخرج عین و حاء و هاء و خاء و غین، حلق می‌باشد» و همچنین درباره بقیه حروف و جایگاه آنها سخن گفته است. (فراهیدی، ۱/۱۴۱۰: ۵۱ و ۵۲).

پس از خلیل بن احمد، شاگردش سیبویه (ت ۱۸۰ ق) به تصریح واژه «مخرج» و جزئیات جایگاه‌های حروف در دستگاه تکلم پرداخته است. به عنوان مثال چنین بیان می‌دارد: «برای حروف عربی شانزده مخرج است. برای موضع حلق سه مخرج وجود دارد، اقصی الحلق مخرج ه، ه الف است، وسط الحلق مخرج ع، ح و ادنی الحلق (نزدیک‌ترین مخرج حلق) از دهان غ، خ است...». (سیبویه، ۴/۱۴۰۲: ۴۳۳) پس از دانشمندان متقدم عربیت، علماء قرائت و تجوید از دست‌مايه آنان بهره جسته و با افزودن جزئیاتی چند آن را در قرائت قرآن کریم استعمال نموده‌اند.

علمای قرائت چون ابن جزری (ت ۸۳۳ ق) در «النشر» (ابن جزری، بی تا/۱: ۲۱۴) در اشاره به مخارج حروف می‌گوید: «اولین چیزی که بر قاری معتبر قرآن در قرائت است، صحیح اداء کردن هر حرف از جایگاه ویژه و اختصاصی خود است به طوری که از حرف مجاورش کاملاً مجزا گردد» و جلال الدین سیوطی (ت ۹۱۱ ق) نیز به تبع ابن جزری و خلیل بن احمد، به مخارج حروف پرداخته و همان مطالب ایشان را اشاره نموده است.^۱

با عنایت به مفاد بیانات خلیل بن احمد، سیبویه و ابن جزری درباره مخارج حروف، می‌توان چنین نتیجه گرفت: مخرج در اصطلاح تجوید عبارت است از: «محل خروج/ اداء خاص هر حرف از دستگاه تکلم».

صفات حروف

از موضوعات اختلافی دانشمندان علم قرائت تعداد صفات حروف است. دانشمندان علم تجوید و قرائت، درباره تعداد صفات حروف اختلاف نظر آشکاری پیدا

۱. نک: سیوطی، ۱/۱۴۱۶: ۲۶۷.

کردند. سیبویه، در کتاب خود^۱ ده صفت برای حروف در نظر گرفته و براین اساس آنها را دسته بندی کرده است. این صفات عبارتند از: مجهوره، مهموسه، شدید، رخوه، منحرفه، مکرره، لین، هاوی، مطبئه، منفتحه.

ابن جزری در کتاب «النشر» تعداد صفات حروف را هفده عدد شمرده است که این صفات عبارتند از: مجهوره، مهموسه، رخوه، شدید، متوسطه، مستفله، مستعلیه، منفتحه، مطبئه، صغیر، قلقله، مد، لین، انحراف، مکرره، تفشی، مستطیل.^۲

نتیجه بدست آمده از نظرات سیبویه و ابن جزری در مورد صفات حروف این است که صفات حروف در اصطلاح تجوید عبارتند از: «حالت و کیفیت ایجاد و خروج حرف از مخرج آن به طوری که موجب تشخیص حروف متحدالمخرج از یکدیگر شود».

احکام حروف

بحث از احکام حروف، از مباحث عمده علم تجوید است. برخی از حروف در ترکیب با حرکات و حروف، دارای حکم یا احکامی خاص می‌شوند و شناساندن این احکام به عهده علم تجوید است. پاره‌ای از این احکام عبارتند از: تفخیم، ترقیق، ادغام، اظهار، اخفاء.

اگر احکام حروف (صفات فرعی حروف) رعایت نشود تنها از زیبایی و روانی حرف کاسته می‌شود و در نتیجه محسنات تجویدی، مخدوش می‌شوند.

بطلان نماز با تغییر معنای کلمات

واژه «ابطال» بر وزن افعال، از ماده «ب ط ل» گرفته شده و در کتب لغت «تقیض حق» آمده است.^۳ اهل لغت تعبیر مختلفی برای تبیین مفهوم ابطال بیان نموده‌اند. در کتاب العین، ابطال به معنای «باطل کردن چیزی» آمده است.^۴ و در مفردات، چنین آمده است: «ابطال: فاسد کردن چیزی و ازاله آن، خواه آن چیز حق باشد و خواه باطل».

در نزد فقها، معنای اصطلاحی ابطال تفاوت چندانی با معنای لغوی آن ندارد. گاهی مقصود آنها

۱. نک: سیبویه، ۴/۱۴۰۲: ۴۳۶-۴۳۴.

۲. نک: ابن جزری، بی تا/ ۱: ۲۰۵-۲۰۲.

۳. نک: فراهیدی، ۷/۱۴۱۰: ۴۳۱؛ ابن منظور، ۱۱/۱۴۱۴: ۵۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۹.

۴. نک: فراهیدی، ۷/۱۴۱۰: ۴۳۱.

از ابطال، حکم به بطلان است^۱ و گاهی مقصود از آن، ایجاد سبب بطلان در خارج است.^۲ یعنی ایجاد ابطال از ناحیه کسی که فعل مأموریه را انجام می‌دهد یا تصرف انشایی می‌کند. بطلان در عبادات به معنای این است که فلان عمل عبادی اعتباری ندارد و گویا اصلاً انجام نشده است، مانند این که کسی بدون وضو نماز بخواند.^۳

در عباداتی مانند نماز، بطلان گاهی بصورت تلفظ نادرست کلمات صورت می‌گیرد. تلفظ نادرست کلمات در نماز به دو صورت است: گاه تلفظ نادرست کلمه‌ای در نماز، باعث تغییر معنای کلمه می‌شود که هر کدام معنایی غیر از دیگری پیدا می‌کند. مانند: الحمد = نقیض ذم و به معنای ستایش^۴ که اگر الهمد تلفظ شود به معنای مردن است.^۵ و گاه تلفظ نادرست حروف باعث تغییر در معنا نمی‌شود مانند: الصراط = راه راست^۶ که اگر السراط تلفظ شود در کتب لغت به معنای راه روشن،^۷ راه آسان^۸ است. حرف مذکور گرچه از نظر تلفظ نادرست است اما از نظر معنایی تفاوتی با اصل کلمه پیدا نمی‌کند.

گاهی نیز کلماتی هستند که تلفظ غیر صحیح آن در دایره لغت عربی معنایی ندارد و تلفظ غلط این کلمات نیز موجب بطلان نماز می‌شود.

دیدگاه فقها در مورد مباحث تجویدی در حوزه نماز

علم تجوید در حوزه احکام تکلیفی (واجب، حرام، مستحب، مکروه، مباح)، از دیرباز مورد توجه خاص فقهای عظام بوده و فقها، دیدگاه‌های خود را حتی در جزئیات آن مانند چگونگی اداء موارد تجویدی در حین قرائت به خصوص در نماز، بیان نموده و وظیفه و تکلیف مکلفین را روشن ساخته‌اند.

۱. نک: علامه حلی، ۲/۱۴۱۹: ۴۸۱، عاملی ۴/۱۴۱۹: ۶۶، نراقی، ۷/۱۴۱۵: ۳۴.

۲. کمپانی اصفهانی، ۳/۱۴۱۸: ۹۰-۸۹.

۳. نک: محمود عبدالرحمان، بی تا/۱: ۳۸۸.

۴. فراهیدی، ۳/۱۴۱۰: ۱۸۹-۱۸۸.

۵. فراهیدی، ۴/۱۴۱۰: ۳۱، ابن منظور، ۳/۱۴۱۴: ۴۳۶.

۶. نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۳.

۷. نک: ابن منظور، ۷/۱۴۱۴: ۳۱۳.

۸. نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۰۷.

نماز شامل قرائت و اذکار است. قرائت در نماز که شامل سوره مبارکه حمد است اساس قرآن بوده و انحصاری است و نمی‌توان جایگزینی برای آن در نظر گرفت. اما بعد از آن (حمد)، سوره دیگری از قرآن کریم، در نماز انتخاب و خوانده می‌شود. به عبارتی با در نظر گرفتن دو رکعت اول پنج وعده نماز واجب یومیه، که شامل قرائت سوره حمد (۷ آیه) و کوچکترین سوره (کوثر/ ۳ آیه) است، در واقع هر مسلمان نمازگزار در طول شبانه روز حداقل به اندازه یکصد آیه تنها در حوزه نمازهای واجب، تلاوت قرآن خواهد داشت که عدم رعایت قرائت صحیح آن، بطلان نماز را که رکن دین است در پی دارد. لذا باید اعاده و یا قضاء آن بجا آورده شود و سرپیچی از آن حرام و معصیت بزرگی است.

بخش دیگر نماز، که ریشه وحیانی دارد، اذکار نماز است که باید بطور صحیح بیان شوند. لذا تلفظ صحیح و مراعات و مراقبت هریک از آنها، جزء واجبات غیررکن نماز شمرده شده است و تلفظ غیر صحیح آن موجب بطلان نماز می‌شود.^۱

فقها اداء کامل و عربیت صحیح در تکبیره الاحرام، قرائت حمد و سوره و اذکار رکوع، سجود، تشهد، سلام، و تسیحات اربعه را واجب شمرده و حتی رعایت آن‌ها را در اذان و اقامه نیز به پیروی از صاحب شرع پیامبر اکرم (ص) تاکید فرموده‌اند.^۲

در نماز حروف مشابه و خاص عربی وجود دارد که این حروف تلفظ ویژه‌ای دارند و عبارتند از: «ح - ه»، «ل - ع»، «د - ت - ط»، «ث - س - ص»، «ز - ذ - ظ - ض - ص»، «غ - ق»، اگر این حروف در کلمات نماز جابه‌جا گفته و یا تلفظ شوند موجب ابطال نماز می‌گردند^۳ زیرا کلمه معنای دیگری پیدا می‌کند مانند: «حمد= ستایش کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰/۳: ۱۸۹-۱۸۸) که اگر همد= مردن (فراهیدی، ۱۴۱۰/۳: ۳۱) تلفظ شود معنای کلمه تغییر پیدا می‌کند. مثال دیگر واژه «صمد» است به معنای فصل الخطاب و کسی که در کارها به غیر او توجه نمی‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰/۷: ۱۰۴) که اگر سمد تلفظ شود یعنی ایستاده، هرچیزی که سرش را بالا می‌گیرد (فراهیدی، ۱۴۱۰/۷: ۲۳۵)، و یا در تکبیره الاحرام نماز واژه «اکبر = بزرگی و مقام است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ق: ۶۹۶) که اگر «عَکَبَر تلفظ شود نام مخلوقی از خداست.» (جُرّ، ۱۳۶۷/ ۲: ۱۴۷۵) و یا واژه «مغضوب=غضب

۱. برای مطالعه بیشتر رک: مرادعلی شمس، تجوید فرقان، ص ۲۳۱ و ۲۳۰ (با اندکی تصرف).

۲. نک: عاملی، ۱۴۱۰/۳۷: عاملی (بهاء الدین)، بی تا: ۴۵-۵۴؛ سید یزدی، ۱۴۰۹/ ۱: ۶۹۰.

۳. نک: سید یزدی، ۱۴۰۹/ ق: ۱/ ۶۵۳، ۳۷.

شدگان (قرشی، ۱۴۱۲ق/ ۵: ۱۰۳)، مغضوب از ماده «غضب = جوشش و غلیان خون قلب برای انتقام است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۸) که اگر مقضوب از ماده «قضب تلفظ شود = بریدن شاخه و چیدن سبزی و میوه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۴) معنا می‌شود. و در نهایت واژه «عظیم (در وصف خدای تعالی) آن است که اندازه بزرگی ذات و حقیقت صفت او از تصور عقل‌ها خارج است» (ابن منظور، ۱۲/۱۴۱۴: ۴۰۹) که اگر «عظیم تلفظ شود به معنای پیمان قلبی بر انجام کار» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۵) و اگر «عظیم تلفظ شود یعنی سرزنش، و نکوهش و ملامت» (فراهیدی، ۲/۱۴۱۰: ۱۰۴) که در هر دو واژه، معنای آن با واژه «عظیم» که در نماز بکار می‌رود متفاوت است و باعث تغییر معنا و در نهایت موجب بطلان نماز می‌شود. در برخی اوقات، تلفظ جابه جای حروف مشابه و خاص عربی در نماز موجب مهمل شدن معنای کلمات می‌شود. مانند: لفظ «غیر» در «غیر المغضوب علیهم» که به معنی «نه» (ابن منظور، ۵/۱۴۱۴: ۳۹) که اگر «قَیر» تلفظ شود مهمل می‌شود. مثال دیگر لفظ «اسم = نشان برای چیزی که به وسیله آن شناخته می‌شود» و اصل آن «سموه» می‌باشد (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق/ ۸: ۴۰۷) که اگر «بِصم» تلفظ شود مهمل می‌شود، یا لفظ «الصراط = راه راست» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۳) که اگر «صراد، صرات، سرات» تلفظ شود بی معنا و مهمل می‌شود، یا واژه «احد» در «قل هو الله احد» به طور مطلق بصورت صفت بکار می‌رود که فقط مخصوص وصف خدای تعالی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷) که اگر به صورت «أَهْد، عَحَد» تلفظ شود بی معنا خواهد بود. در نهایت می‌توان بیان نمود که تلفظ جابه جای حروف مشابه و خاص عربی چه با تغییر معنای کلمه و چه با بی معنا و مهمل شدن کلمه، خلاف مقصود شارع مقدس می‌باشد.

لذا در اینجا لازم است برای بررسی موضوع ابتدا به مباحث تجویدی مطرح در حوزه «نماز» از قبیل مخارج و صفات و احکام حروف اشاره کنیم و سپس آراء و نظرات فقهای شیعه نسبت به قرائت و اذکار نماز از منابع فقهی، رساله‌های عملیه و استفتائات مراجع عظام را مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

مخارج حروف و احکام فقهی آن

در دستگاه تکلم مواضعی وجود دارد که مخارج حروف در آن‌ها قرار گرفته و به طور طبیعی در هنگام ایجاد بیان، حروف با صفات خود در قالب الفاظ ظهور می‌یابند و در نتیجه متکلم و مستمع از آن بهره مند می‌شوند. این مواضع عبارتند از: جوف (فضای خالی دهان و حلق)، حلق، لسان (زبان)، شفتان / شفتین (لب‌ها) و خیشوم (فضای داخل بینی) که مخارج هفده گانه (قول مشهور)

در این پنج موضع قرار دارند، به طوری که در برخی فقط یک مخرج با دو یا سه حرف و در برخی دیگر ده مخرج با هجده حرف به طور طبیعی توزیع یافته‌اند.^۱

فقهای شیعه در اداء صحیح حروف از جایگاه‌های تولید خود (مخارج)، قائل به سه قول هستند: برخی رعایت مخارج حروف را واجب می‌دانند و معیار صحت قرائت را، اداء حروف از مخارجشان بیان کرده‌اند.^۲ در این قول، به طور مطلق رعایت مخارج حروف در نماز بر همگان و در همه شرایط واجب شمرده شده است. لذا نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که فراگیری مقداری از تجوید عملی که مربوط به نحوه ادای صحیح حروف از مخارجشان می‌باشد در نماز واجب است و صحیح خواندن نماز به این معنا نیست که یک دوره کلاس تجوید نظری و عملی گذرانده شود، بلکه همین مقدار که با تلفظ صحیح حروف خاص و مشابه عربی که عدم رعایت آن باعث تغییر در معنای نماز و در نتیجه بطلان نماز می‌شود آشنا شویم و عمل کنیم کفایت می‌کند، مثلاً حرف «ص» طوری ادا شود تا با «س» اشتباه نشود و یا «ض» با «ظ» و یا «ح» با «ه» و یا «ط» با «ت» و...

برخی دیگر از فقها قائلند که رعایت مخارج حروف به شرطی لازم است که تغییر معنایی صورت گیرد.^۳ مهم‌ترین نقش در تلفظ صحیح حروف در نماز را مخارج حروف به عهده دارند به طوری که عدم رعایت مخارج حروف باعث تلفظ نادرست و تغییر معنای واژه‌ها و در نهایت موجب بطلان نماز می‌شود. لذا در این قول تغییر معنا در تلفظ حروف خاص و مشابه عربی، در قرائت و برخی از اذکار نماز، سبب بطلان نماز دانسته شده، به همین دلیل رعایت مخارج حروف در این قول واجب شمرده شده است.

عده‌ای از فقها در قول دیگری قائل به این هستند که رعایت مخارج حروف به شرطی لازم است که مطابق هیچ یک از لهجه‌های عربی صحیح نباشد.^۴ در این قول فقها، عرف عرب را در مخارج حروف ملاک صحت و مقبولیت قرائت شمرده‌اند نه عرف اهل تجوید را. در توضیح این مطلب

۱. نک: ابن جزری، بی تا/ ۱: ۱۹۸-۲۰۲.

۲. نک: علامه حلی، ۳/ ۱۴۱۴: ۱۴۰؛ عاملی (بهاء الدین)، بی تا: ۴۷؛ نجفی، ۱۴۱۵: ۲۴۴، م ۷۵۵؛ خمینی، ۱/ ۱۴۲۲: ۱۵۹، س ۱۱۵؛ خمینی، ۱/ ۱۴۲۴: ۸۰۹، س ۵۸۸؛ تبریزی، بی تا/ ۱: ۱۱۶-۱۱۵، س ۵۴۷؛ بهجت، ۱۴۲۶ هـ ق/ ۱: ۳۷۸؛ خامنه‌ای، ۹۶/ ۱۴۲۴، س ۴۶۸ و ص ۱۱۸-۱۱۷، س ۵۸۸.

۳. نک: خمینی، بی تا/ ۱: ۱۶۷، م ۱۲؛ سید یزدی، ۱/ ۱۴۰۹: ۶۵۳، م ۳۷.

۴. نک: سید یزدی، ۱/ ۱۴۰۹: ۶۵۳، م ۳۷ و ص ۶۵۴، م ۴۱؛ خمینی، بی تا/ ۱: ۱۶۷، م ۱۳؛ خمینی، ۱/ ۱۴۲۲: ۱۵۸، س ۱۱۳ و ص ۱۶۰، س ۱۱۹؛ خمینی، ۱/ ۱۴۲۴: ۶۰۹-۶۰۸، س ۴۶۵؛ بهجت، ۲/ ۱۴۲۸: ۱۴۲، م ۱۹۸۷، ص ۱۴۳ و ۱۴۲، م ۱۹۸۸؛ خامنه‌ای، ۱/ ۱۴۲۴: ۹۵-۹۴، س ۴۶۵.

باید گفت که عرف عرب زبانان با عرف اهل تجوید متفاوت است. لذا تلفظ حروف در نزد اهل عرب با اهل تجوید متفاوت است. مثلاً بیشتر عربها در تلفظ حرف «ضاد» آن را مثل «دال تفخیم شده و درشت» تلفظ می‌کنند؛ یعنی صدای دندانی لثه‌ای دارای صفات شدت، جهر، اطلاق. همان طور که بعضی از مناطق عربی آن را «ظاء» یا شبیه به آن تلفظ می‌کنند. لذا عرف عرب در تلفظ حروف متفاوتند در حالی که در تجوید فقط به یک صورت استعمال می‌شود.

صفات حروف و احکام فقهی آن

فراگیرترین و محوری‌ترین مباحث تجوید، صفات حروف است. حروف دارای صفاتی هستند که دسته‌ای از آن صفات، لازمه حرف بوده و از آن تفکیک ناپذیرند به طوری که عدم رعایت هر یک از آن صفات مساوی با عدم آن حرف است و این گروه از صفات که صفات اصلی نام گرفته‌اند،^۱ خود به دو دسته «متضاد» و «غیر متضاد» تقسیم می‌شوند. مانند: جهر، همس؛ استعلاء، استفال؛ صغیر؛ قلقله...^۲ اگر این صفات اصلی رعایت نشوند اساس و بنیان حرف مخدوش و موجب از بین رفتن آن شده و به عبارتی تبدیل حرفی به حرف دیگر می‌شود. مثلاً اگر صفت صغیر که دارای «سوت» مانندی است از «س» گرفته شود دیگر چیزی از اصل این حرف باقی نمی‌ماند و یا به قولی^۳ برای صفت قلقله در حروف مقلقله (ق، ط، ب، ج، د) که در حال سکون اندکی جنبش و فشار لازم است تا اداء شوند، چنانچه رعایت نشوند حروف مذکور به ترتیب به حروف «ط، ت، پ، چ، (یا مخلوطی از چ ژ ش)، ت» شباهت پیدا می‌کند. یا مثلاً اگر صفت «بحه» که همچون گرفتگی صدا است غلظتش از «ح» گرفته شود تبدیل به «ه» می‌شود (احل: حلال شد / اهل: نام برده شد). باید به این نکته توجه داشت که در مواردی، تنها اداء حرف از مخرجش کفایت نمی‌کند، بلکه باید صفت یا صفات آن حرف در نظر گرفته شود، زیرا گاهی اوقات یک مخرج محل خروج دو یا چند حرف می‌باشد. لذا تشخیص حروف هم مخرج، از طریق رعایت صفات آن‌ها می‌باشد که شبیه و یا تبدیل به یکدیگر نمی‌شوند. مثلاً حرف «ز» و «س» که مخرجشان یکی است، اولی دارای صفت جهر و دومی صفت همس است، اگر صفت جهر از «ز» گرفته شود به «س» تبدیل می‌شود و دیگر حرف «ز» نخواهیم داشت.

۱. نک: ابن جزری، بی تا/۱: ۲۰۳-۲۰۲.

۲. نک: فاضل گروسی، ۱۳۷۴: ۱۵۳-۱۳۵.

۳. نک: فاضل گروسی، ۱۳۷۴: ۱۵۲.

در بحث صفات حروف، فتوای مشهور فقها رعایت صفات حروف در همه ذکرهای واجب نماز است چرا که با عدم مراعات صفات لازم در نماز، تغییر معنای کلمه رخ می‌دهد و در نهایت منجر به بطلان نماز می‌شود. لذا طبق فتوای مشهور فقها، رعایت صفات در نماز ضرورت دارد.^۱

نکته قابل توجه این است که در فارسی تلفظ خاص ۸ حرف (ح ع ط ص ذ ظ ض) رعایت نمی‌شود، بلکه فارسی زبانان معمولاً «ح» را مانند «ه»، «ع» را مانند «ا»، «ط» را مانند «ت»، «ص» را مانند «س»، «ذ، ظ، ض» را مانند «ز» تلفظ می‌کنند. بنابراین ضرورت اداء صحیح حروف خاص عربی به دلایل ذیل ثابت می‌شود:

۱- معانی کلمات تغییر پیدا می‌کند، مانند: علیم: دانا (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۵۹) / الیم: درد آور. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۱۰/۳۶۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲)

۲- کلمات بی معنا می‌شوند، مانند: حسن: هرچیز سرور آور و خوش آیند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۵) / «هسن» که معنایی در عربی ندارد.

۳- با تغییر معنای یا بی معنا شدن کلمات، در قرائت قرآن اختلال ایجاد می‌شود.

۴- مطابق فتوای عموم مراجع تقلید، نماز باطل می‌شود.^۲

احکام حروف (مستحقات حروف) و احکام فقهی آن

گروه دوم از صفات حروف، که صفات فرعی نامیده شده‌اند، همان حالات و احکام حرف در ترکیب با حروف یا حرکات گوناگون می‌باشند. مانند: تفخیم، ترقیق، ادغام، اخفاء، اظهار، مدّ...

توجه به این نکته در این جا ضرورت دارد که صفات مذکور گرچه از نظر اسم، فرعی محسوب می‌شوند لکن نباید از این نکته غفلت کرد که از دیدگاه گروهی از فقها، رعایت برخی از صفات فرعی، واجب شمرده شده است و عدم مراعات آن موجب بطلان نماز می‌شود.^۳

۱. نک: سید یزدی، ۱/۱۴۰۹: ۶۵۳ م ۲۷ و ص ۶۵۷ م ۵۹ خمینی، بی تا/۱: ۱۶۷، م ۱۲؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۹: ۲۴۸، م ۸۴۲

خمینی، ۱/۱۴۲۴: ۵۵۳ م ۱۰۰۲ و ص ۵۳۴ م ۹۴۸؛ خمینی، ۱/۱۴۲۲: ۱: ۱۶۱، س ۱۲۳؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۹۵، س ۴۶۷.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مرادعلی شمس، تجوید فرقان، ص ۲۶۴ (با اندکی تصرف).

۳. نک: سید یزدی، ۱/۱۴۰۹: ۶۵۳ م ۳۸ و ص ۶۵۵ م ۴۸ و م ۵۱؛ خمینی، بی تا/۱: ۱۶۷، م ۱۳؛ بهجت، ۱۴۲۸:

۱۶۳، م ۱۰۳ و م ۱۰۵؛ همان، ۱/۱۴۲۶: ۳۶۹؛ بروجردی، بی تا: ۲۲۰، م ۱۰۱۲؛ اراکی، ۱۳۷۱: ۱۸۲، م ۹۹۵؛

وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۲۰۰، م ۱۰۱۲؛ محدث قمی، ۱/۱۴۲۳: ۴۱۲، م ۳۸).

صفات فرعی حروف گرچه جزء مُحسنات و از مقوله مستحبات تجویدی به شمار می‌رود، اما رعایت برخی از آن صفات در نماز واجب شمرده شده است و لذا توجه به آن در نماز ضرورت دارد.

نتیجه گیری

در نهایت، اجمال نظرات را می‌توان چنین بیان کرد:

- با توجه به اهمیت رعایت آموزه‌های تجویدی، هیچ یک از فقهای عظام در زمان‌های مختلف رعایت تجوید در قرائت قرآن و نماز را نادیده نگرفته‌اند، بلکه بخش زیادی از مخارج حروف و حتی قسمتی از صفات حروف را که در صحت معنای واژه تاثیرگذار است لازم دانسته‌اند و اکثر مباحث تجویدی را از محسنات دانسته و عمل به آن را احسن می‌دانند.

- ملاک لزوم رعایت قواعد و آموزه‌های تجویدی آن است که حروف طوری تلفظ یا ادا شوند که در عرف عرب، صحیح باشد به طوری که حرفی به حرف دیگر تبدیل نشود و عدم رعایت آن در نماز به طور عمدی موجب بطلان نماز نشود. این نوع از تلفظ صحیح حروف با رعایت مخارج و برخی صفات مهم، از موارد درجه یک تجوید و یا به عبارتی در مقوله صحت قرائت بوده و ظاهراً در این مورد فقها نظر مشترکی دارند.

- فقها رعایت آن بخش از اصول تجوید را که در عربیت قرآن دخیل باشد، مانند برخی وقفها و ادغامها، لازم می‌دانند و بیش از آن را در قرائت قرآن خواه در نماز یا غیرنماز واجب نمی‌دانند.

- محافظت و مراعات عربیت صحیح و اداء حروف از مخارج طبیعی خود و وجوب آن در قرائت حمد و سوره، و تمامی اذکار نماز از قبیل ذکر رکوع، سجود، تشهد، و سلام جاری و ساری است.

- موضع فقهای بزرگوار نسبت به موضوعات متعدد تجویدی از حیث احکام فقهی متفاوت است و نظر یکسان ندارند.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (بی تا)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد (بی تا)، *النشر فی القراءات العشر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۱۴ق)، *لسان العرب*، محقق احمدفارس صاحب الجوائب، بیروت: دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع (دار صادر)، چاپ سوم.
۵. اراکی، محمدعلی (۱۳۷۱)، *توضیح المسائل*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. بروجردی، حسین (بی تا)، *توضیح المسائل*، قم: سازمان انتشارات جاویدان و موسسه انتشارات فراهانی.
۷. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، *استفتاءات*، چاپ اول، قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
۸. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، *توضیح المسائل*، چاپ ۹۲، قم: انتشارات شفق.
۹. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ق)، *جامع المسائل*، چاپ دوم، قم: دفتر معظم له.
۱۰. تبریزی، جواد (بی تا)، *استفتاءات جدید*، چاپ اول، قم: دفتر معظم له.
۱۱. جرّ، خلیل (۱۳۶۷)، *فرهنگ لاروس*، ترجمه سیدحمید طیبیان، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، محقق / مصحح: گروه پژوهش موسسه آل البيت علیهم السلام، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *تذکره الفقها*، محقق / مصحح: گروه پژوهش موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، *مختلف الشیعه*، محقق / مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق)، *نهایه الاحکام فی معرفه الاحکام*، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۶. خامنه‌ای، علی (۱۴۲۴ق)، *اجوبه الاستفتاءات*، چاپ اول، قم: دفتر معظم له.
۱۷. خمینی، روح الله (۱۴۲۲ق)، *استفتاءات*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۸. خمینی، روح الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، چاپ اول، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۹. خمینی، روح الله (۱۴۲۴ق)، *توضیح المسائل (محشی)*، محقق / مصحح: محمدحسین بنی هاشمی خمینی، چاپ هشتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. دانی، عثمان بن سعید (۱۴۲۱ق)، *التحذیر فی الاتقان والتجوید*، محقق: غانم قدوری الحمد، چاپ اول، اردن: دارعمار.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، محقق / مصحح: صفوان عدنان داودی، لبنان- سوریه: دارالعلم-الدار الشامیه.
۲۲. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۹ق)، *توضیح المسائل*، چاپ سوم، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
۲۳. سیبویه، عمرو بن عثمان (۱۴۰۲ق)، *الکتاب*، تحقیق و شرح: عبدالسلام محمد هارون، دارالرفاعی بالرياض: مکتبه الغانجی بالقاهره، الطبعة الثانیه.
۲۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر (۱۴۱۶ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: سعید المندوب، لبنان: دارالفکر، الطبعة الاولى.
۲۵. شمس، مرادعلی (۱۳۹۲)، *تجوید فرقان*، قم: انتشارات زائر.
۲۶. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، محقق / مصحح: محمدحسن آل یاسین، چاپ اول، بیروت: عالم الکتاب.
۲۷. طوسی، محمدبن حسن (۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، محقق / مصحح: محمد تقی کشفی، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه.
۲۸. عاملی، بهاءالدین، محمدبن حسین؛ ساوجی (بی تا)، *جامع عباسی وتکمیل آن (محشی، ط-قدیم)*، محقق / مصحح: علی محلاتی حائری، چاپ اول، تهران: موسسه منشورات الفراهانی.
۲۹. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۰۲ق)، *روض الجنان فی شرح ارشاد الازدهان*، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۰. عاملی، محمدبن مکی (شهید اول) (۱۴۱۹ق)، *ذکری الشیعه فی احکام الشریعه*، محقق / مصحح: جمعی از پژوهشگران در موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۱. عاملی، محمدبن مکی (شهید اول) (۱۴۱۰ق)، *اللمعه دمشقیه فی فقه الامامیه*، محقق / مصحح: محمدتقی مروارید، علی اصغر مروارید، چاپ اول، بیروت: دارالتراث-الدار الاسلامیه.
۳۲. عبدالرحمان، محمود (بی تا)، *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه*، بی جا.

۳۳. فاضل گرّوسی، عبدالحسین (۱۳۷۴)، *تجوید/ استدلالی*، تصحیح: محمدعلی کوشا، چاپ اول: تهران: نشر شفا.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، محقق/ مصحح: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۳۵. قرشی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. قمی، عباس، (۱۴۲۳ق)، *الغایه الوثقی فی ترجمه العروه الوثقی*، محقق/ مصحح: علی رضا اسداللهی فرد، چاپ اول، قم: منشورات صبح پیروزی.
۳۷. کمپانی اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸ق)، *حاشیه کتاب المکاسب*، محقق/ مصحح: عباس محمد آل سباع قطیفی، چاپ اول، قم: انوار الهدی.
۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. میبیدی، احمدبن محمد (۱۳۷۱)، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تهران: امیرکبیر.
۴۰. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، محقق/ مصحح: عباس قوچانی، علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع الرسائل (محشی)*، محقق/ مصحح: گروه پژوهش موسسه صاحب الزمان علیه السلام، چاپ اول، مشهد: موسسه صاحب الزمان علیه السلام.
۴۲. نراقی، مولی احمدبن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، *مستندالشیعه فی احکام الشریعه*، محقق/ مصحح: گروه پژوهش موسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام.
۴۳. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، *توضیح المسائل*، چاپ نهم، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
۴۴. یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق)، *العروه الوثقی فیما تعلم به البلوی*، چاپ دوم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.